

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم صل علی محمد و آل محمد

سوره مبارکه انبیاء (جله ششم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۴/۵/۱۴

در روایت آمده ایمان چند مرتبه دارد از جمله قلبی و زبانی.

هر علمی و هر فعلی حساب دارد و انسان نسبت به حساب داشتن آن در غفلت است فلذا بزرگترین غفلت انسان این است که فاصله اش را با حساب عملش زیاد می بیند.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (۱۶) لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ آتَاخِدَانَهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۷) بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (۱۸)

عده ای در دنیا هستند که معتقد هستند زمین و آسمان غیر یک اله دارد به همین دلیل هم هست که الله خدای واحد را نمی پرستند.

اعتقاد به الوهیت و اله در همه وجود دارد و اگر افرادی خدا را نمی پرستند حتما اعتقاد به اله دیگری دارند به این دلیل که انسان مخلوق است و به هر حال باید خالقی داشته باشد.

اولین چیزی که انسان را آسیب زده می کند، اعتقاد به توحید است که در هر سوره ای این موضوع به نوع خاصی مطرح می شود و اگر کسی مشککش در این مسئله حل شود تمام مشکلاتش حل می گردد.

در آیه ۱۸ خیلی سخنان باطلی در مورد خدا گفته می شود و او را بی جا توصیف می کنند، لذا خداوند مهر باطل بر آنها زد و آنها از بین رفتند، این باطل همان اعتقادات و مواردی است که در مورد خدا اعتقاد دارد مثلا این که انسان در خلوتش یک گناهی را انجام می دهد ولی در آشکار آن گناه را نمی کند، و این یعنی خدا یک جا هست و یک جای دیگر نیست. این که انسان آشکار و پنهانش نسبت به یک عمل متفاوت است یعنی خدای او متفاوت است.

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ (۱۹)

بعضی از حرف‌هایی که ما می‌زنیم و کارهایی که انجام می‌دهیم معنی دارد مثلاً این که غذا را با نمک شروع می‌کنید یعنی به روایات اهل بیت علیهم السلام عمل می‌کنید.

هرکاری که انسان می‌کند یک معنی بخصوصی دارد مثلاً آدمی که پرهیز غذایی ندارد یعنی سلامتی‌اش برایش اهمیتی ندارد.

یکی از مشکلات این است که بعضی اعتقاد دارند که شرّ خودش یک فعلیت دارد یعنی استقلال دارد. اگر کسی فکر کرد که شرّ یک ضرری می‌رساند و برایش استقلال قائل بود، برای شرّ یک الوهیتی قائل شده‌است در صورتی که شرّ نبود یک خیر است لیکن چون خیری نیست شرّ ضرر می‌رساند.

خیلی از اعتقاداتی که در روزمره با آن‌ها سروکار داریم پرده از یک اعتقاد دیگری برمی‌دارند لذا ما باید ببینیم چه کار و گفته‌ای از ما چی می‌شود! آدم باید یک مدتی کارها و حرف‌های خودش را ترجمه کند تا پی ببرد که به چه اعتقاد دارد.

برخی اعمال هنگامی که ترجمه شوند خیلی معنی زشتی دارند مثل قهر کردن با همسر که یعنی من از نعمت شوهر داشتن منزجر هستم.

در این عالم هر چیزی یک ترجمه‌ای دارد.

أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْسِرُونَ (۲۱)

این آیه خیلی مهم است و معنی بل دارد، بلکه این جوری فکر می‌کنید.

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۲۲)

این آیات، آیات عجیبی هستند، ذکر اهل بیت علیهم السلام بوده است، فلسفه لا اله الا الله است.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ (۲۵)

خدا هیچ ابایی ندارد که بگوید در طول تاریخ انبیائی که آمدند و دستاوردهایی که به آنها اعطا شد در قالب یک کلمه است. و همه قرآن و وحی و فهم دین یعنی لا اله الا الله. اگر انسانی به این کلمه توجه داشت، حتما عبد خدا می شود و اگر کسی تا به حال عبد خدا نشده است یعنی لا اله الا الله نگفته است.

اله به مجموعه اثر، موثر، فعل، دلیل و فاعل گفته می شود، اله هر چیزی که بتوانید برایش شأن قائل شوید است.

خدا می خواهد که انسان از طریق تفکر و تعقل و استمرار عبودیت بفهمد که غیر خدا هیچ کس و هیچ چیز نیست بنابراین اگر ضرری هم متوجه اش شد بخشی از آن منفعت است.

اگر انسان از هر موقعیتی در جهت نفع و کمالش استفاده نکرد یعنی لا اله الا الله نگفته است؛ لیکن الوهیت های دیگری را دخیل دانسته است.

بهم ریخته گی آدم ها به این خاطر است که نگاهشان به خدای رحمان و رحیم نیست بکله به خدایی است که غضب است در صورتی که رحمت به غضب سبقت دارد. بروز رحمانیت، غضب است.

صفات خدا ثبوتی هستند در تقابل سلبی.

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَ اللَّهِ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ (۲۶)

بزرگ ترین وصف اهل بیت عليهم السلام "عباد مکرم" است که به هر حال مخلوق هستند و خدا، خداست. خدا باید همیشه با مخلوقین فاصله داشته باشد لذا مواظب باشید فاصله خدا را با هیچ مخلوقی کم یا حذف نکنید.

هرچقدر شأن اهل بیت عليهم السلام برای ما پررنگ شد باید لا اله الا الله نیز برای ما پررنگ شود.

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (۲۹)

هر کسی که بگوید من می گویم یعنی می گوید انی اله. هست و نیست یک چیز را به خود نسبت داده است.

اولین الوهیت از خانه شروع می‌شود، بین همسران و پدر و مادر به فرزندان: "چون من می‌گم"، "چون من می‌خوام".

شما نماینده خدا در بیت هستید، هرچه خداوند گفته‌است شما نماینده او هستید و این یعنی ما واسطه حرف خداییم برای بچه‌ها. اله بودن کیف ندارد، عبد بودن کیف دارد. عبد باید عبودیتش را بکند.

هیچ چیزی در این عالم لذت بخش‌تر و رضایت بخش‌تر از عبودیت صرف برای خدا نیست زیرا انسان وقتی عبودیت صرف پیدا می‌کند برای خدا خودش را گران می‌فروشد و با کسی معامله می‌کند که کلید عالم در دست اوست.

أُولَئِكَ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (۳۰)

در این آیه شریفه خدا خودش را معرفی می‌کند.

خدا اینجا قدرت نمایی‌های ویژه‌اش را مطرح می‌نماید.

خیلی عجیب است که خدا از یک ماده (آب) "کل شی" را "حی" قرار داده‌است.

این که بچه‌ها آب را دوست دارند فطری است. توجه به آسمان و آب، ایمان می‌آورد.

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ (۳۲)

آسمان را که می‌بینی باید فکر کنی این یک سقفی است که اگر نمی‌بود از خیلی آسیب‌ها در امان نبودیم.

ان‌شاءالله خدا به ما توفیق دهد نسبت‌های خوب به خدا بدهیم و اعمال خودمان و دیگران، دلالتی بر توحید ناب باشد و هر عملی از ما پرده از یک خدای واحد بردارد. اولین چیزی که باید در زندگی مراعات کنیم این است که کارهای مان شاعبه شرک نداشته‌باشد. برای محقق شدن این موضوع مهم صلواتی عنایت فرمائید.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات